

گزارش تصویری

آتش سوزی منزل در رسالت شمالی

منزلی که ساکنین آن در مسافرت بسر می برند ، لحظه با استشمام بوی دود دچار آتش سوزی شد . خبر وقوع حریق توسط همسایه که کلید خانه را در اختیار داشت اعلام گردیده است . به گفته وی در آن لحظه با استشمام بوی دود متوجه آتش سوزی گردیده شده است . براساس این برق کولر بوده است . میزان خسارت مالی ۳۰میلیون ریال برآورد شده است . ایستگاه شماره سه به محل



■ **با تشکر از سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندرعباس**



گزارش از يك رویداد اجتماعی(توصیفی)

هیچ وقت مورچه ای کف دست آمده؟!!

کجا پیدایش کنم؟ دنبال سوژه بودم کودک اما نمی یافتم. مکانی عمومی پر از جمعیت، توی راهرو همین طور به اطرافم نگاه می کردم دختری ۲۶ ساله باروسری سبز برسر در حالی که دست دختر بچه ای حدوداً ۴ ساله را گرفته بود آمدند ودو صندلی آن طرف تر از من نشسته زن دختر بچه را روی صندلی نشاند خودش آرام نشست وساک بزرگ سفید رنگ را از روی دوش برداشت روی پاهایش گذاشت بعد صدایش را شنیدم، « دختر خوب، همیشه خوشقوله همه چیز خوب می شه، فکر کردن چقدر خوب است که آنها را از این که در این جا آمدند از خوب بودن حرف می زند و چشم به اطراف دوخته اند.

دختر بچه از روی صندلی پایین آمده بود رو به روی من ایستاده بود با صدای معصومانه گفت : « خانم عروسک من رویدیدی؟ زن جوان بلند شد وبه سمت ما آمد دختر را گرفت وبه طرف اتاق کوچیک دادگاه خانواده رفت . دختر را نگاه می کردم که زن او را با خود می کشاند چشمانی درشت ومهربان داشت به من خیره شد برگشتم چیزی گفت : نفهمیدم، چه گفت.

دوباره تکرار کرد برگشتم به من زن زده بود با دست به او اشاره کردم دختر دستش را از زن جوان جدا کرده بود وبه طرف من آمد گفتم چیزی شده؟ گفت : خاله جون مادرم من رو سوزانده می بینی » بعد با دست های کوچکش موی های پخش شده روی صورتش کنار زد وصورتش را نشان داد جای هیچ چیزی روی صورتش نبود فقط کمی قرمز بود . تن صدایش را کمی کوتا کرد گفت : پدرم می خواهد مارو بکشه، تا آمدم چیزی بگویم او دست خود

دوشنبه ۱۴ مردادماه ۱۳۸۷

برای ۲ با شعبان ۱۴۲۹

خاله جون مادرم من رو

سوزانده می بینی» بعد

با دست های کوچکش

موی های پخش شده روی

صورتش کنار زد وصورتش

را نشان داد جای هیچ

چیزی روی صورتش نبود

فقط کمی قرمز بود

را جلو آورد دستش را مچ کرده بود دست مچ شده اش را باز کرد « مورچه ای دارم » گفتم : مورچه، دقیق تر که شدم مورچه ای کوچیک اما مرده . که همراه با دست دختر محو شده بود وحالا یک نقطه سیاه گفت : می خوام ببندارم توی لباس بابام نمی دانستم چه بگویم . دختر همین طور کف دستش را باز نگه داشته بود. بعد همین طور حرف زد و می شنیدم سرم دوران گرفته بود . زن مانی که مادر ویدر این دو تکیه گاه قوت کودکان در خشونت ونارضایتی زندگی قرار می گیرند کودک چگونه پیش می رود آیا همه آنها به این گونه افکار می افتدند . او مورچه ای را توی دستش جای می دهد او نمی خواست آشنایان چیزی بفهمند همین طور که آن را در دستش محکم گرفته بود زن جوان به طرف ما آمد من خودم را معرفی کردم وبعد دلیل حضورش را جویا شدم گفتم برای طلاق آمده اید زن لب هایش شروع به لرزش کرد وبعد کوهی از اندوه درصورتش نقش بست گفت : چه بگویم. دختر سرش پایین بود آرام کنار زن ایستاده بود زن جوان ادامه داد دختر خواهرم است، مادروپدرش جدا شدن خیلی عصبی وفصلول شده هر چه زودتر باید تکلیفش را مشخص کنم زن در ادامه صحبت هایش آدرس ونشانه ای محله ای را می خواست به ای گفتم و بعد خود کنجکاو شده بودم که زن گفت : « توی اون محله بهزیستی هست، نمی داتم چگونه جواب دادم که با سرعت داشت از من دور می شد.

زن وسط راهرو بار دیگر ایستاد ویا تردید پرسید « واقعاً توی آن محل بهزیستی هست؟ » با تاکید سرم را تکان دادم و گفتم : بله دختر بچه کنارش ایستاده بود. زن همین طور حرف می زد «اگه آدرس اشتباه باشه دیگه پول برگشت مجدد ندارم » صدای غرغر زن همانطور که دورمی شد به گوش می رسید . راهرو شلوغ بود زن اما دور می شد وصدایش می آمد.

زن- پسران پسران آینده دختر را به همراه با ساکی سفید به بهزیستی می رساند . روی صندلی نشسته بودم ساکت بودم هنوز نگاه کودک را از انتهای راه روی دیدم که دستش را محکم مشت کرده بود . و در شلوغی جمعیت کم کم محو شد دختر به جای برده می شود. او تنها چیزی که نمی بیند خانواده پدر ومادر او فقط جایی می رود برای بودن و تنها چیزی با خودش گره کرده بود ومحکم می خواست نگه دارد درد واندکی مشترک.

برخاسته بودم که گزارش را بنویسم.

زن ودختر کوچیک دیگری توی راهرو آمده بودند ...

مرضیه انگریژنه

آگهی حصر وراثت

آقای عباس قدسی نژاد بندری دارای شناسنامه شماره۷۳ به شرح دادخواست به کلا سه ۰۱۰۰۲۳۵۷۶۱۱۰۸۷۰۹۹۸۷ از این دادگاه درخواست گواهی حصرواثت نموده که شادروان حسین قدسی نژاد بندری فرزند مرحوم عباس بشناسنامه۶۲۰۹ در تاریخ ۸۶/۳/۱۱ اقامتگاه دائمی خود بدروذ زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :

۱- عباس قدسی نژاد بندری فرزند حسین به شماره شناسنامه ۷۳ صادره از بندرعباس فرزند متوفی ۲- ابراهیم قدسی نژاد بندری فرزند حسین به شماره شناسنامه ۳-۱۰۸۷۲۲-۲۳۸۸ صادره از بندرعباس فرزند متوفی

۳ - مریم قدسی نژاد بندری فرزند حسین به شماره شناسنامه ۴۷ صادره از بندرعباس فرزند متوفی ۴-ساره قدسی نژاد بندری فرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۶۹ صادره از بندرعباس فرزند متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک نوبت ماهی یکمرتبه آگهی می نمایم تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و والا گواهی صادر خواهد شد.

دادرس شعبه اول دادگاه حقوقی بندر عباس

علی اصغر عباسی

فرزند عزیزمان

فاطمه مهرانی

موفقیت شما را در سال تحصیلی با معدل ۲۰در پایه سوم و کسب رتبه ممتاز تبریک می گویم.

با تشکر از زحمات مدیر محترم دبستان شهدای

ملی گاز و معلم دلسوزت سرکار خانم نجفی

پدر و مادر ت

کوتاه از حوادث

قدامت مبارك هرکول ۷ کیلویی



■ ایسکانیوز:سنگین ترین نوزاد اندونزی با وزنی نزدیک به هفت کیلوگرم ،دیروز در یک زایشگاه «جاکارتا» به دنیا آمد .

بیمارستان خصوصی پایتخت اندونزی، دیروز شاهد به دنیا آمدن سنگین ترین نوزاد این کشور بود . پسر ی که شش کیلو و ۹۰۰ گرم است در«جاکارتا» به دنیا آمد که به خاطر مشکل تنفس، برای درمان

به یک بیمارستان بزرگ تر در پایتخت فرستاده شد. این درحالی است که مادر ۳۷ ساله نوزاد، دیابت دارد و پزشکان احتمال می دهند بیماری او در مشکل تنفسی فرزندش نقش داشته باشد. پیش از این یک نوزاد «سورابایایی» با شش کیلو و ۴۰۰ گرم رکورد سنگین ترین نوزاد اندونزی را در جاده شرقی از آن خود کرده بود.همچنین به تازگی یک زن روسی به نام «تاتیانا بارابانووا» ۴۲ ساله دوازدهمین فرزند خود را با وزنی نزدیک به هشت کیلوگرم در سبیری به دنیا آورد.گزارش ایسکانیوز می افزاید،یک پسر آمریکایی نیز که ۱۸۷۹ میلادی، هنگام به دنیا آمدن ۱۰۰۸ گرم بود سنگین ترین نوزاد دنیا در کتاب رکوردهای،گینس، لقب گرفت.او فقط ۱۱ ساعت زندگی کرد و بر اثر نارسایی تنفسی،جان سپرد.

دندان مصنوعی از يك "تخم تمساح"

ایسکانیوز: پژوهشگران تایلندی،دست به ابتکار جالبی ه اند و برای تهیه دندان مصنوعی از استخوان و تخم تمساح استفاده می کنند.

استخوان و پوست تخم تمساح، سرشار از کلایسم است که می توان ماده ای گران و نادر تولید کرد و در تولید پروتزهای دندان به کاربرد.

پژوهشگران تایلندی پی برده اند با استفاده از استخوان و پوست تخم تمساح،می توان«هیدروکسی آپاتیت» ارزان به دست آورد که این ماده اصلی دندان های مصنوعی است. هم اکنون آزمایش های تکمیلی برای تولید«هیدروکسی آپاتیت» ادامه دارد.گزارش ایسکانیوز می افزاید،تایلند مهم ترین صادر کننده کالاهای جانبی ساخته شده از تمساح است و منطقه های پرورش این خزنده در کشور موردنظر به وفور دیده می شود.

انفجار در يك فروشگاه مواد آتش بازی

■ انفجار در فروشگاه غیرقانونی لوازم آتشبازی و ترقه در مرکز چین جان ۱۳ تن را گرفت.

به گزارش گروه «حوادث» اسپنا به نقل از خبرگزاری رویترز، این حادثه درست چند روز پس از آغاز مبارزه شدید پلیس علیه تولید کنندگان این قبیل لوازم برای حفظ امنیت مردم در استان روستایی هونان اتفاق افتاد و یک خانه را تخریب کرد . علاوه بر کشته شدگان، شش تن دیگر نیز در این حادثه مجروح شدند. دو روز قبل از این حادثه نیز ه کودک در انفجار مشابهی هنگام بازی با مقادیر زیادی از این مواد آتشبازی در کارخانه ای در شمال کشور کشته و یک کودک دیگر به شدت مجروح شد .

صبح

روز پنجم

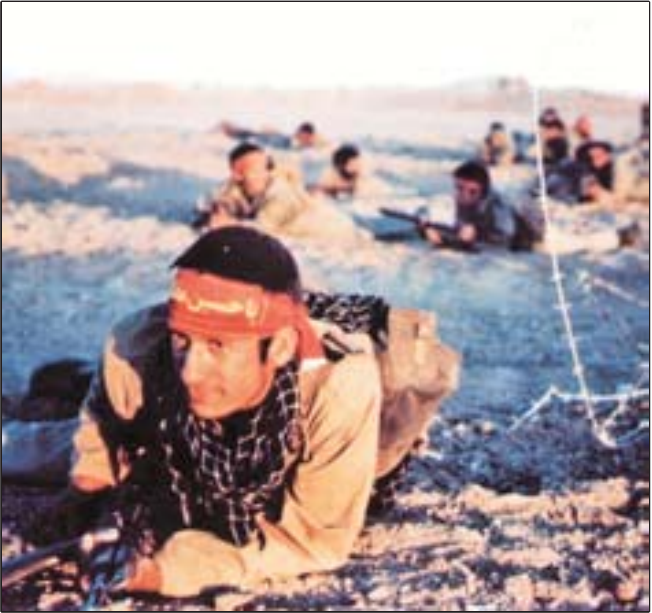
یادکردی از مرصادآفرینان

یافت و آنان که با لباس های شیک و رنگ و روغن دار و موهای ژل زده و قیافه های برگز کرده سوار بر خودروهای زبهی اهدایی صدام آمده بودند تا به زعم گمراه خویش با برافکنند نظام «پرچم نفاق و تیره روزی بر فرازگاه ایران زمین برافرازند چنان درسی گرفتند که برای همه دور آنها از یادها نخواهد رفت . سیه دلان آدمکشی که به زخمی هلو مجروح هان پاسدارو بسیجی سربل نهاب و اسلام آباد غرب هم ترجم روا نداشتند و زخمیان رادر تخت بیمارستان به خون و آتش کشیدند و پاسداران و بسیجیان را به جرم دفاع از حریم کشور به جوبه دار سپردند با پنجه های عقاب گون شجاعان هوا نیرووز ونیروی هوایی از صحنه روزگار محو شدند و در دشت حسن آباد و پایین دست تنگه چهارزبر گورستان جنازه های سوخته و متلاشی آنها شد تا روایت لشکر آزادی بخش کاغذین نوکران صدام بر یاد روزگاران نقش یابد.

عملیات مرصاد و دفع آفت فرقه نفاق، آخرین برگ زریں تاریخ پرافتخار هشت ساله دفاع مقدس می باشد که در اولین روزهای مردامه ماه ۸۷ که درخطف گلگون کرمانشاه رقم خورد و باگذشت دو دهه از ایام بی شرمی و حیادری مواجپ بگیران صدام ملعون در تجاوز و تعرض به سرزمین مادری خویش با طمع فتح سه روزه تهران، شعضه پرفروغ رزم جانانه فرزندان ایران اسلامی همچنان از بلندای چهار زیری می گذرد و روزگار منافقان نیز هر روز سیاه تر از پیش، از نوکری صدام تا آلودن دستهای خیانت به خون مردم عراق تا جاسوسی و خیرچینی تا خیانت و خیانت و خیانت.

سالگرد حماسه مرصاد گرامی باد .

سید رضا هاشمی زاده



روز پنجم، آفتاب روی تن ماهیدشت و حسن آباد نور می ریخت ونسیم ترانه استواری فرزندان سپیده را می خواند. مرصاد آفرینان چهارزبر،سرافمی دشت افکن پرورده بغداد را به خاری ایمان و پولاد دلبری کوفتند و کرم های گنداب تغفن ایدئولوژی مسموم آل نفاق در مصاف آهوان و رویارویی با پرستوها و در زلال همهمه پروانه های خوش رنگ سوختند و چون حکایت های زوال یافتنی به برگه ای از تقویم تاریخ پیوستند . آنان سراپا تجهیز به ساز و برگ جنگی عقلقیان و صحنه گردانا نشان آمده بودند تا قصه خاله رنگ بازی «مسعود و مریم» را با فتح سه روزه تهران به خیال خام خویش فروغی جاویدان بخشند که مردان تنگه های پاتاق و پایداران چهارزبر، نقشه بد یمن این مردانان حلقه به گوش شوم آئین را با نستوهی و صلابت و مقاومت را بردشت های همیشه شاهد مهر بطالت زدند و ساز زنان خوش رقص دشمن یعنی که نام بزرگ مجاهد را نیز به تنگ کردار خویش آلوده بودند به زنباله دانی از قعر زمانه ها فرستاند تا دیگر و هیچگاه کسانی با کارنامه ای سنگین به جنایت و

مروح سالم در بدن سالم / با مصرف مداوم ماهی مروح وجسم خود را بیمه کنید

✓ **روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان**